

**Components and Parameters of Modern Islamic Civilization from
the Perspective of Ayatollah Khamenei**

Received: 15/10/2022

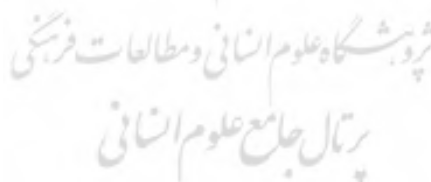
Accepted: 09/01/2023

Habib Zamani Mahjoub*

(153-183)

All civilizations are based on components and parameters, some of which are general in terms of title and specific in terms of content. The main question raised in this article is what are the components and parameters of the new Islamic civilization. Since Ayatollah Khamenei is the inventor of the theory of modern Islamic civilization, the researcher attempts to explain the components and parameters of modern Islamic civilization by exploring his statements and speeches. The findings of the research indicate that the new Islamic civilization has these components and parameters: Religious components with the parameter of religion and spirituality; Moral components with the parameter of morality and human dignity; Social components with the parameter of rationality, hope and self-confidence, order and lawfulness, unity and solidarity, endeavor and struggle and justice; Political components with the parameter of government, religious democracy, independence, freedom, security and military authority; Economic components with the parameter of welfare and progress; Scientific components with the parameter of science and technology..

Keywords: Modern Islamic Civilization, Ayatollah Khamenei, Component and parameter.



*. Associate Professor of Islamic History and Civilization, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran,
zamani1358@Gmail.com.



سال دوم / شماره چهارم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دامپله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

حبیب زمانی محبوب*
(۱۵۳-۱۸۳)

چکیده

همه تمدن‌ها مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی هستند که برخی از آنها از حیث عنوان، عام و از حیث محتوا، خاص‌اند. پرسش اصلی نوشتار این است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی کدام‌اند. از آنجا که مبدع نظریه تمدن نوین اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است، نگارنده کوشیده است با جست‌وجو در بیانات و سخنان ایشان، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی را تبیین کند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که تمدن نوین اسلامی دارای این مؤلفه‌ها و شاخص‌هاست: مؤلفه‌های دینی با شاخص دین و معنویت؛ مؤلفه‌های اخلاقی با شاخص اخلاق و کرامت انسانی؛ مؤلفه‌های اجتماعی با شاخص عقلانیت، امید و خودباوری، نظم و قانونمندی، وحدت و هم‌بستگی، تلاش و مجاهدت، و عدالت؛ مؤلفه‌های سیاسی با شاخص حکومت، مردم‌سالاری دینی، استقلال، آزادی، امنیت و اقتدار نظامی؛ مؤلفه‌های اقتصادی با شاخص رفاه و پیشرفت؛ مؤلفه‌های علمی با شاخص علم و فناوری.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، مؤلفه و شاخص.

* . دانشیار تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران، zamani1358@Gmail.com

مقدمه

«تمدن نوین اسلامی» از اساسی‌ترین و پرمعناترین مفاهیمی است که در بستر گفتمان انقلاب اسلامی رویده است. این مفهوم، به‌عنوان یک مقصد و مطلوب آرمانی، از افق‌های بلند مد نظر امام خامنه‌ای است که چندین سال در سخنانشان بدان تأکید کرده و مردم و مسئولان را با ارائه راهکار و پیشنهاد، به سمت آن سوق داده‌اند؛ چنان‌که می‌توان گفت دال مرکزی مواضع، دیدگاه‌ها و بیانات رهبر معظم انقلاب «تمدن نوین اسلامی» است. آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف تمدن نوین اسلامی می‌فرماید:

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این. هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۴/۶/۱۳۹۲).

رهبر معظم انقلاب تمدن نوین اسلامی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: الف) بخش ابزاری یا سخت‌افزاری که شامل نموده‌های پیشرفت می‌شود، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست و اعتبار بین‌المللی؛ ب) بخش نرم‌افزاری حقیقی و اساسی تمدن اسلامی که شامل حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در تمام مظاهر زندگی و حیات مسلمانان است. تحقق هر دو بخش در تمدن نوین اسلامی ضروری است (بیانات امام خامنه‌ای در جمع دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۲۳/۷/۱۳۹۱). البته هرگاه بخش دوم تمدن نوین اسلامی، یعنی حاکمیت سبک زندگی اسلامی (به‌عنوان روح تمدن نوین اسلامی) در تمام جامعه تحقق پیدا کرد، به آن کشور اسلامی می‌گوییم. اگر کشور اسلامی به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانان عالم الگو و اسوه می‌شویم. در این صورت است که «تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد و فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت» (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۲۸/۵/۱۳۸۴).

می‌توان با تلاش، کوشش، مدیریت و رهبری قسمت اول تمدن‌سازی نوین اسلامی، و با اصلاح سبک زندگی اسلامی و ایرانی قسمت دوم تمدن‌سازی نوین اسلامی را تحقق بخشید.

همه تمدن‌ها مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی هستند که برخی از آنها از حیث عنوان، عام و از حیث محتوا، خاص‌اند. آنچه در این تحقیق از مؤلفه و شاخص مد نظر است معیارها و میزان‌هایی است که اصول مبتنی بر مبانی را به ساحت عمل وارد می‌کند و آنها را به سمت عملیاتی کردن سوق می‌دهد. به دیگر سخن پیاده ساختن اصول در میدان عمل توسط شاخص‌های مبتنی بر آنها صورت خواهد گرفت و امکان ارزیابی و سنجش کارکرد تمدن‌ها نیز بر مبنای مؤلفه‌ها و شاخص‌ها فراهم می‌شود.

تمدن نوین اسلامی دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که نگارنده در این مقاله با توجه به بیانات و اندیشه‌های مقام معظم رهبری به تبیین آنها خواهد پرداخت. با توجه به اقبال اندیشمندان و محققان به موضوع تمدن نوین اسلامی در چند سال اخیر، در این باره کتاب‌ها و مقالات متعددی تدوین شده که در بسیاری از آنها به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی نیز اشاراتی شده است. از آثار خوب درباره تمدن نوین اسلامی، کتاب فلسفه تمدن نوین اسلامی اثر رضا غلامی (۱۳۹۶) و حاصل ده جلسه درس گفتار وی در «خانه اندیشمندان علوم انسانی» است. نویسنده در بخش‌های گوناگون کتاب به‌ویژه در فصل سوم و دهم، به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی پرداخته که نگارنده در این نوشتار از آن بهره بسیار برده است. خسرو پناه و شاهرخ اصفهانی (۱۳۹۶) در مقاله «تمدن اسلامی»، در هفت گفتار این موضوع را تبیین کرده‌اند. نگارندگان در گفتار ششم به بیان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن اسلامی و ایرانی پرداخته‌اند. ضعف اصلی این مقاله فقدان تحلیل و چیدن پشت سر هم سخنان رهبر و حتی تیرگذاری‌های نامناسب برای آنهاست. مرتضی اکبری و فریدون رضایی (۱۳۹۴) در مقاله «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (علیه‌السلام)» در دو بخش کلی به این موضوع پرداخته‌اند: ۱. شاخصه‌های عام (قدیمی)، مانند محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای

نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم، که وجه مشترک شاخصه‌های تمدن اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و سایر اندیشمندان اسلامی است؛ ۲. شاخصه‌های نوین تمدن اسلامی مانند تلاش و ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر و سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری که بیشتر در بیانات مقام معظم رهبری بر آن تأکید شده است. از مقالات بسیار خوب و نظام‌مند در این باره مقاله «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)» تدوین محمدرضا بهمنی (۱۳۹۳) است. نویسنده با استناد به بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ و با بهره‌گیری از روش مفهوم‌سازی بنیادی به تبیین تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته است. وی در این مقاله ذیل عناوینی چون ارکان، اهداف و شاخص‌های ترازبایی تمدن اسلامی برخی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را به‌خوبی تبیین و تحلیل کرده است. از دیگر مقالات منسجم و نظام‌مند درباره موضوع، مقاله سیدعلی نقی ایازی (۱۳۹۸) با عنوان «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری» است که در همایش ملی بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی ارائه داد. نویسنده در این نوشتار با روش تحلیل محتوای استقرایی، هفت عامل علم و پژوهش، دین و معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، سبک زندگی اسلامی و بیداری اسلامی را به‌عنوان زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بررسی کرده است.

نگارنده در این مقاله کوشیده است ضمن بهره‌بردن از تحقیقات پیشین، این مباحث را گامی دیگر پیش‌برد و تلاشی ناچیز در راستای تبیین اندیشه‌های تمدنی مقام معظم رهبری داشته باشد. در ادامه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی اشاره خواهیم کرد.

مؤلفه‌های دینی

از اصلی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن، وجود ایدئولوژی و دین است. در اصل اینکه دین از عناصر اصلی تمدن است، و غالب تمدن‌ها بر محور یک دین شکل گرفته‌اند، در

میان تمدن‌پژوهان اجماع نسبی وجود دارد. هرچند دین در مفهوم غربی تمدن نیز جایگاه دارد (مزلیش، ۱۳۹۸: ۱۶۳)، این امر در اندیشه متفکران مسلمان دارای جایگاه برجسته‌تری است و تمدن عمدتاً بر مبنایی دینی و برای تحقق اهداف دینی تعریف شده است. در مجموع، نظرهای متفکران اسلامی درباره تمدن اسلامی، بیانگر این واقعیت و دیدگاه مشترک است که خدامداری (توحید) و وحی اسلامی، اساس و بنیاد تمدن اسلامی است و دین همه مظاهر تمدن را دربرمی‌گیرد (محمود عقاد، ۱۹۹۹م: ۱۵۵؛ عماره، ۲۰۰۵م: ۲۳). به اعتقاد آیت‌الله جوادی آملی تمدن جامعه انسانی در آینه تدین او ظهور دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۳). از نظر ایشان جهان از منظر مسافر متمدن و متدین که در مرحله سفر چهارم است، لبریز از حیات است و هیچ موجود مرده و بی‌روحي در آن نیست (همان: ۲۲). رهبر انقلاب خصوصیت ویژه جامعه و تمدن اسلامی و شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکال را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰؛ بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸).

از دیدگاه مقام معظم رهبری در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. ایمان و معنویت عامل جهت‌دهنده و هدایت‌کننده‌ای است که در روند تحقق بنیادها و اجزای مختلف تمدن نوین اسلامی، خطوط کلی حرکت را مشخص می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۹؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). به عقیده رهبر معظم انقلاب، تمدن‌سازی بدون ایدئولوژی امکان‌پذیر نیست و اگر هم امکان‌پذیر باشد، مطلوب اسلام نیست^۱ (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان

۱. تمدن مطلوب از نگاه مقام معظم رهبری، تمدنی است که پایه و اساس آن رضایت خدا و در راه رسیدن به خدا باشد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳).

شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). آن جامعه‌ای که مکتب توحید را مبنای کار خود قرار می‌دهد و به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است به دست خواهد آورد، یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خود را در دنیا گسترش خواهد داد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای، داعیه جمهوری اسلامی، ایجاد تمدنی است متکی به خدا، معنویت، وحی، تعالیم و هدایت الهی و امروز اگر چنین تمدنی را ملت‌های مسلمان بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با قاریان در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۳۱).

در مجموع، تمدن نوین اسلامی، تمدنی «دین‌بنیاد» است. در واقع، اگر حقیقت اسلام از این تمدن گرفته شود، این تمدن پوچ خواهد بود. روح تمدن نوین اسلامی، روح دینی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای گروه دانش صدا و سیما جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۵) که در نفس انسان مؤمن و در سراسر اجزای حیات فردی و اجتماعی او جاری و ساری است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). تمدن نوین اسلامی با پیوند زندگی و بندگی، دین را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده به فرایندهای اجتماعی وارد می‌کند. با این توصیف مشخص است که دین محوری‌ترین مؤلفه و شاخص تمدن نوین اسلامی است که بر سایر مؤلفه‌ها حاکم است.

مؤلفه‌های انسانی

تمدن فرایندی بشری است و بر محور انسان به وجود می‌آید و معنا و هویت می‌یابد. بدون جمعیت، حکومتی و بدون حکومت و دولت، تمدنی شکل نمی‌گیرد. پیدایش تمدن نیز به اراده انسان‌ها وابسته است و به تعبیر قرآن کریم «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). نقش آفرینی اندیشه تمدن‌ساز از لحظه‌ای آغاز می‌شود که با پذیرفته شدن از سوی مردم و اثرپذیری نظام‌ها و روابط و نهادهای جامعه از آن، به پدیده‌ای اجتماعی تبدیل شود. از این رو، انسان‌ها مهم‌ترین عنصر تمدن‌اند.

از منظر بسیاری از تمدن‌پژوهان، تمدن بزرگ‌ترین نظام مناسبات انسانی است و اساس تمدن بین انسان با انسان رخ می‌دهد، نه انسان با طبیعت (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۴ و ۴۴). در

این تعریف است که شاخص‌هایی مثل عدالت و اخلاق مطرح می‌شود، تا صرفاً شاخص‌هایی مثل معماری و علم و توسعه. از دیدگاه علامه جعفری، تمدن عبارت از شکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی آن در همه ابعاد ممکن (جعفری تبریزی، ۱۳۹۶: ۱۷۶).

انسان در تراز تمدن نوین اسلامی موجودی است دوساحتی با اصالت روح، آزاد، صاحب کرامت، فعال، خلاق، پیشرفت‌طلب، تعالی‌خواه، مشارکت‌جو، فضیلت‌گرا، مسئولیت‌پذیر، و از همه مهم‌تر «آبدزیست» که شایستگی لازم برای قدم گذاشتن در مسیر تمدن نوین اسلامی را دارد و ساخت تمدن را به مثابه اهداف میانی جامعه اسلامی، مقدمه دستیابی به اهداف عالی جامعه اسلامی که همان رشد و تعالی توأمان فرد و جامعه است قلمداد می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). از این‌رو، خالق، بازیگر و کنشگر اصلی در تمدن نوین اسلامی انسان (البته با رویکرد الهی به انسان، نه اومانیسیم غربی) است و سایر عناصر، همگی به دنبال کمک به او برای ایفای نقش محوری در تمدن به مثابه مقدمه ضروری تعالی و کمال روحی‌اند (همان: ۵۸). بر همین اساس، مقام معظم رهبری برای ایجاد یک تمدن اسلامی تولید فکر و پرورش انسان را از عناصر اساسی می‌دانند (بیانات امام خامنه‌ای در جمع استادان و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴)؛ چراکه سررشته همه تحولات جامعه به دست انسان‌هاست (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشگاهیان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸).

۱. کرامت انسان

کرامت انسانی از مقاصد بالای شریعت‌هاست و اسلام به‌عنوان آیینی اصیل، خواستار کرامت انسان شده است. از دیدگاه اسلام، انسان چه در کودکی و چه بزرگی، چه انسان زنده و چه مرده، چه انسان بیمار و چه سالم، چه انسان فقیر و چه بی‌نیاز، چه در میهن و چه در غربت، تکریم شده و گرامی است. امام خمینی علیه السلام از بحث فطرت انسان برای اثبات برابری ذاتی نوع بشر کمک گرفته‌اند. از دیدگاه ایشان، تمام انسان‌ها از فطرت مشترکی برخوردارند که آنها را مستحق کرامت ذاتی نزد پروردگار می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۱۸۷).

با این توصیفات، انسان در تراز تمدن نوین اسلامی صاحب کرامت است؛ کرامتی که در دین اسلام بدان تصریح شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). از دیدگاه مقام معظم رهبری هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده اصل تکریم انسان است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت سالروز میلاد مبارک حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} در تاریخ ۱۳۷۱/۹/۲۵). بر مبنای همین رویکرد، یکی از وجوه اساسی تمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب، توجه ویژه به کرامت انسان است. واقعیت این است که شرایط موجود در جهان صحنه رویارویی بین دو رویکرد به کرامت انسان‌هاست. تمدن نوین اسلامی سعی در هویت‌بخشی و شخصیت دادن به همه انسان‌ها دارد، اما در مقابل، تمدن غرب همواره کوشیده است با از بین بردن کرامت انسان‌ها بر بشر مسلط شود و عزت و کرامت برخی انسان‌ها را برای ترقی و پیشرفت مردمان ساکن در غرب زیر پا له کند. درحقیقت، در جامعه متمدن اسلامی انسانیت ارزش اساسی دارد و اعتبار انسان، به ویژگی‌های انسانی اوست، حال آنکه در تمدن غرب این ارزش‌های اساسی را برای رسیدن به نتایج و تولیدات مادی بیشتر قربانی می‌کنند.

۲. اخلاق

اخلاق و زندگی بر پایه مکارم اخلاقی یکی دیگر از شاخصه‌های مهم و بارز تمدن نوین اسلامی است. به نظر مالک بن نبی، هدف از آموزه‌های اخلاقی اسلام این است که ما را در مسیر تمدن قرار دهد و هنر زیست با دیگران و زیستن در جامعه را بیاموزد (بن نبی، ۱۳۵۹: ۱۱۴). به اعتقاد مقام معظم رهبری، جامعه‌ای متمدن است که معیارها و فضایل اخلاقی در حد اعلا در آن زنده باشد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۲).

مقام معظم رهبری معنویت و اخلاق را به‌عنوان نیاز اصلی جامعه و جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی (بیانیه گام دوم انقلاب)، عاملی می‌دانند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن

قرن‌ها دنیا را اداره کرد، و امروز نیز دنیا مدیون تمدن اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). اخلاق از دیدگاه ایشان عبارت است از هوای لطیفی که اگر در جامعه بشری وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفسش زندگی سالمی داشته باشند؛ یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا (بیانات امام خامنه‌ای در سالروز عید مبعث در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۹).

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخص‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشر هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به‌لجن‌کشیده‌ای باشد که ارکان تمدن امروزی غرب‌اند.

مؤلفه‌های اجتماعی

از عوامل بسیار مهمی که ایجاد و بقای تمدن‌ها را معنا می‌کند، بحث اجتماع است. ذیل مؤلفه‌های اجتماعی تمدن نوین اسلامی برخی شاخص‌ها چون عقلانیت، امید و خودباوری، نظم و قانونمندی، وحدت و هم‌بستگی، مجاهدت و عدالت بیان شده است. البته شاید برخی از این شاخص‌ها ذیل مؤلفه‌های دیگر نیز می‌گنجد، لکن چون همه این موارد مستقیم به آحاد جامعه مربوط می‌شود، جزو مؤلفه‌های اجتماعی مطرح شده‌اند.

۱. عقلانیت

هر تمدن بزرگی، چه آشکار و چه پنهان، مولود عقلانیت است. برخی تمدن را بسط تفکر در ساحت‌های تمدنی دانسته‌اند. براین اساس، حیات و نابودی تمدن به حیات و نشاط تفکری است که این تمدن اصل خود را بر آن بنا نهاده است. تفکر ریشه تمدن به‌شمار می‌آید و روشن است که التقاط فکری یا تنزل از یک تفکر، موجب التقاط یا انحطاط تمدنی خواهد شد (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۷۲).

امام خمینی علیه السلام به سه سطح برای عقلانیت انسان معتقدند: «عقلانیت معرفتی»؛ «عقلانیت اخلاقی»؛ «عقلانیت ابزاری» (معینی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۵۶-۶۶). از دیدگاه ایشان مراد از عقل، عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند. بنابراین، از دیدگاه امام، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد

و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت‌ها کند. از دیدگاه علامه جوادی آملی، عقل که همانند نقل نیروی اکتشافی شرع است، چراغ روشنی است که در تشخیص صراط مستقیم و ارائه آن سهم بسزایی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای در اجلاس «بیداری اسلامی» دین و عقلانیت و علم و اخلاق را پایه‌های ایجاد تمدن اسلامی جدید معرفی می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۶). بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب بر عقلانیت و خردورزی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در فهم اندیشه اسلامی و بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. از نظر ایشان، «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم» (بیانات امام خامنه‌ای در سالروز عید مبعث در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۹). از این‌رو راه قدم گذاشتن در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی، ارتقای عقلانیت جامعه اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای تولید فکر را از عناصر مهم برای ایجاد تمدن اسلامی می‌داند (بیانات امام خامنه‌ای در جمع فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴). بر این اساس معتقدند کمال فکری انسانی پایه اصلی ایجاد تمدن نوین اسلامی است (پیام امام خامنه‌ای به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ در تاریخ ۱۳۷۳/۱/۱).

۲. امید و خودباوری

به قول کارن آرمسترانگ^۱، مسلمانان پس از هر شکست کوشیده‌اند برخیزند و از نو آغاز کنند (آرمسترانگ، ۱۳۹۵: ۱۱) و این ناشی از روح امید و خودباوری آنهاست. امیدگرایی و امیدبخشی از ویژگی‌های تمدن اسلامی و پیش‌ران حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی است. گم‌شده دنیای اسلام در بحث تمدن‌سازی، امید است. معمولاً جوامعی در مسیر پیشرفت و تمدن‌سازی قرار می‌گیرند که به سطح مناسبی از خودباوری دست یافته‌اند. در چند سده گذشته عمده مسلمانان مرعوب تمدن غرب بودند و یأس جوانان و قشر

۱. کارن آرمسترانگ (متولد ۱۹۴۴م)، مستشرق انگلیسی است. کتاب جدید وی با عنوان محمد: پیامبری برای زمانه ما جزو پر فروش‌ترین کتاب‌های وی در امریکا و اروپاست.

تحصیل کرده سبب سستی و خمودی شده و تحرک و چالاکی را که لازمه تمدن‌سازی است از آنان گرفته بود؛ حال آنکه انقلاب اسلامی توانست امید و خودباوری ازدست‌رفته میان مسلمانان را از طریق روشنگری عظیم و بیدارسازی جهان اسلام بازگرداند. مباحث تمدنی انقلاب اسلامی به‌ویژه منطق تمدنی در ادبیات حضرت امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای لبریز از امید به آینده است. رویکرد امیدوارکننده رهبر معظم انقلاب در مطالعات آینده‌نگرانه و پیش‌بینی افق روشن اسلام و ملت‌های اسلامی (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۵)، موجی از امید در برابر جهان اسلام گشوده است؛ چنان‌که در بیانیه گام دوم امیدزایی و امیدبخشی موج می‌زند. امیدواری رهبر معظم انقلاب بر اساس واقعیت‌هاست. ایشان، هم آسیب‌ها را تحلیل می‌کنند و هم مقدمات را در کنار آسیب‌ها می‌بینند و لذا می‌فرمایند: با به فعلیت رساندن این مقدمات می‌توان این مسیر را طی کرد (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۰۴).^۱ از نظر ایشان، ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳).

آیت‌الله خامنه‌ای با بازخوانی تجربه‌های تمدنی به‌ویژه تمدن اسلامی گذشته و تجربه جمهوری اسلامی در امتداد تمدن اسلامی، امکان تمدن‌سازی نوین اسلامی را قطعی می‌داند (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۰۶). از نظر ایشان، با انقلاب اسلامی، ایران به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت اسلامی و تمدن اسلامی بدل شده و هرچه زمان گذشته، این استحکام افزایش یافته و تحقق وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و باسازی امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی در راه است (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۷؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ بیانات امام خامنه‌ای در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار در تاریخ ۱۳۷۳/۸/۱۱). برای مطالعه بیشتر، ر.ک. حسینی خامنه‌ای،

۱. طراحی سندهایی مانند بیانیه گام دوم و در سطح پایین‌تر سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نشانه روح بلند و امیدوار رهبر معظم انقلاب در مسیر تمدن‌سازی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

۱۳۹۸: ۸۱۸-۱۹۱). به عقیده ایشان، پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز راه تمدن‌سازی اسلامی نوین است و اگر این مسیر با جدیت ادامه پیدا کند، به‌طور حتمی تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را می‌گستراند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴).

۳. نظم و قانونمندی

تمدن مولد جامعه مدنی قانونمند و منظم است؛ یعنی قانونمندی و نظم اجتماعی از شاخصه‌های اصلی جوامع متمدن به‌شمار می‌رود. در این میان، توانایی جامعه برای ایجاد «نظم کارآمد» بسیار مهم است. اما محصور کردن این نظم در امور مادی یا جلوه‌گر کردن آن صرفاً در شهرنشینی (در هر سطحی)، نمی‌تواند سعادت‌بخش تلقی شود (غلامی، ۱۳۹۶: ۲۵). هر قدر نظم اجتماعی قوی‌تر باشد، تراحمات اجتماعی نیز کمتر است و در این صورت انسان‌ها در زندگی جمعی آرامش و خوشبختی بیشتری را تجربه می‌کنند. البته تفاوت نظم اجتماعی در تمدن نوین اسلامی با نظم اجتماعی در تمدن غربی، در منبع و منشأ نظم اجتماعی است. در تمدن نوین اسلامی، این اسلام یعنی جهان‌بینی و شریعت اسلامی است که با به میدان آوردن احترام معنوی و ایمانی، نظم اجتماعی را متولد می‌کند. این در حالی است که تمدن غرب سرمنشأ و تکیه‌گاه نظم اجتماعی خود را در حد قرارداد اجتماعی و آرای عمومی که باید آن را عامل بسیاری از ناراستی‌های اجتماعی در نظر داشت، تنزل داده است. اسلام ظرفی را برای رشد و تعالی انسان‌ها در نظر می‌گیرد که انسان‌ها خود را گرامی‌تر از شرارت کردن ببینند و اصول انسانی را رعایت کنند؛ و آن ظرفی که برای این کار در نظر گرفته شده تقواست. این نظم خودپنداد و انسانی و به تعبیر بهتر «نظم معنوی» می‌شود. اگر این امر برای انسان رخ دهد، ما در بحث قوانین اجتماعی از بسیاری معضلات رها می‌شویم. در این صورت انسان‌ها بر اساس تقوا قانون را رعایت می‌کنند، و در نتیجه نظم در حد اعلائی خود حاکم می‌شود (بابایی، ۱۳۹۶). البته این به معنای کنار گذاشتن قانون نیست. از منظر مقام معظم رهبری، قانون اساسی منبعی مهم برای حرکت در مسیر تمدن‌سازی اسلامی است و این به دلیل فرایند درست و منطقی بود که حضرت امام علیه السلام برای تدوین قانون اساسی در نظر گرفتند. به عقیده ایشان، حضرت امام علیه السلام با

قانون اساسی، به لحاظ حقوقی، سیاسی، اجتماعی و علمی یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آوردند که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا کرد (بیانات امام خامنه‌ای در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی^ع در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۴).

۴. وحدت و هم‌بستگی

با وجود شکاف‌های اجتماعی فراوان، تفرقه و چندقطبی، قدم گذاشتن در راه تمدن نوین اسلامی ممکن نیست. لازمه تمدن‌سازی هم‌بستگی و هم‌گرایی است. رکن اول در تحقق اتحاد و انسجام اسلامی در میان امت‌های مسلمان، توجه اساسی به مبانی، اصول و آرمان‌های مشترک، و رکن دوم، پرهیز از مطرح کردن غیرعلمی و جنجال‌آمیز مباحث اختلافی میان فرقه‌ها و ملل در میان جوامع اسلامی است.^۱ اگر از سطح تمدنی اسلام سخن می‌گوییم، نباید از فرق و مذاهب اسلامی یا حتی ادیان به‌عنوان چالش تمدنی یاد کرد. در نتیجه، هر نوع اقدام در راستای تقابل شیعه و سنی یا ایرانی و عربی و...، بازی در تفسیر غیرتمدنی از دین اسلام و عامل گسست و واگرایی و سبب سست شدن قدرت مسلمانان است. جنس تمدن بیش از آنکه برآمده از اختصاصات قومی و مذهبی باشد، برآمده از رویکرد انسانی و عدالت‌محور و توسعه‌بنیان است.

البته باید توجه داشت که تکثر گروه‌ها، ادیان و فرهنگ‌ها و به‌طور کلی واحدهای اجتماعی، جزو عناصر ماهوی تمدن است. در تمدن سخن از یک فرد، یک ملت، یک زبان و حتی یک آیین، امری دور از ذهن و واقعیت است. در هر تمدنی انسان‌های گوناگون، فرهنگ‌های متعدد، زبان‌های گوناگون و خواسته‌های متنوعی وجود دارند. مهم خدمت مشترک آنها و ایفای نقش و سهم خود به تمدن حاکم است (صدری، ۱۳۸۰: ۳۵). در واقع این همان تمدن است که هویتی واحد، همسو و هماهنگ به این گروه‌ها و عناصر متکثر می‌بخشد و آنها را فارغ از هر ملیت و کشوری ذیل چتر مشترکات انسانی، اسلامی و ایمانی

۱. از دیدگاه مقام معظم رهبری ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، زمینه‌ساز عظمت اسلام و بنای تمدن رفیع اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶) و وحدت و خدمت مسئولان نظام پایه‌های تمدن اسلامی را در کشور و بلکه در همه جوامع اسلامی مستحکم می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۶).

گرد هم می‌آورد (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۴). برای مطالعه بیشتر، ر.ک. بابایی، زمستان ۱۳۹۶ الف).
براین اساس، این خاصیت تمدن است که تنوع ملت‌ها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را به رسمیت می‌شناسد. تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست و امت‌گرایی^۱ و تکثرپذیری از ویژگی‌های تمدن اسلامی است. در تمدن پیشین اسلامی با اینکه چتر عام اسلام بر بخشی پهناور از ربع مسکون گسترانده شده بود و تمام ساکنان این سرزمین پهناور از جنوب فرانسه تا شمال چین با هویت واحد اسلامی شناخته می‌شدند، کسی تردید ندارد که همگان درکی کاملاً یک‌سان از اسلام نداشتند. امروزه نیز در امت اسلامی با وجود هویت واحد اسلامی، این تنوع و تکثر به آسانی به چشم می‌خورد و برخلاف نظر رایج، به نظر می‌رسد تکثر فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام نقطه‌ای مثبت و پتانسیلی برای تمدن‌سازی است؛ یعنی همین تراکم انسانی و اندیشه‌ها و ایده‌های متفاوت می‌توانند پیش‌برنده تمدن شوند؛ البته انسجام‌هایی نیز می‌خواهد که می‌توان با قرآن و سنت خلأ آن را پر کرد.^۲

تمدن نوین اسلامی هرچند اتحاد عقیدتی، شرعی و اخلاقی را برای تحقق اهداف تمدنی ضروری می‌داند، برای علایق و گرایش‌های قومی و مذهبی اهمیت قائل است و آن را عامل بروز و ظهور استعدادها و ظرفیت‌ها و شکل‌گیری تحولات بزرگ تلقی می‌کند. براین اساس، در اسلام، تکثر فرهنگی، خارج از عرصه عقیده و خارج از ساحت احکام الهی که شامل اخلاق هم می‌شود، به رسمیت شناخته شده است. فراتر از این، این تنوع و تکثر عامل مؤثر برای رشد اجتماعی مسلمانان توصیف شده است (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات گوناگون تنوع اقوام و قومیت‌ها را فرصتی برای نظام جمهوری اسلامی قلمداد

۱. به عقیده محمدرضا بهمنی، الگوی امت‌گرایی زیرساخت تمدن اسلامی است و هرآنچه مانع یا مخل شکل‌گیری و اعتلای اندیشه امت باشد، مانع و مخل حرکت تمدنی جهان اسلام قلمداد می‌شود (بهمنی خدنگ، ۱۳۹۸: ۴۲).

۲. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «باتوجه به تنوع ملیت‌ها و کشورها در درون جهان اسلام، با رویکر امت واحده اسلامی با محوریت قرآن می‌توان به تمدن نوین اسلامی دست یافت» (بیانات امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹).

کرده‌اند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با برگزیدگان کردستان در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۴؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای همایش نکوداشت شیرعلیمردان‌خان بختیاری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۶)؛ چنان‌که یکی از مزیت‌های تنوع قومی را خاصیت تکمیل‌کنندگی آن دانسته‌اند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم کردستان در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲).

نتیجه آنکه وحدت و همبستگی به معنای حضور سنت‌های فرهنگی گوناگون زیر چتر تمدن اسلامی است. یکی از کارکردهای اساسی دین، ایجاد وحدت و وفاق اجتماعی است. بخشی از غیریت تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب در همین امت اسلامی است. یکی از بارزترین شاخص‌های امت اسلامی یک‌سان‌سازی و تمایزسازی توأمان است؛ یعنی تمام مسلمانان گرد عنصر دین اسلام باهم برابر و برادر و بر اساس تعلقات جغرافیایی و نژادی و ملی از هم متمایزند. تمدن نوین اسلامی باعث ایجاد رویکرد فراقومی، فراملی و فرانژادی، و سبب وحدت جهان اسلام و ایجاد فضای تعامل میان قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون خواهد شد (عرفان و بیات، ۱۳۹۴، ج ۸: ۱۱۱).

۵. مجاهدت و پویایی اجتماعی

تلاش و کوشش از ویژگی‌های اساسی در همه حرکت‌های تمدنی است. در دین اسلام بر مبنای آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)، باید هرکس برای رشد و پیشرفت بکوشد. بر همین مبنا، انسان در تراز تمدن نوین اسلامی، پرتلاش، فعال و اثرگذار است و همین فعال بودن فرصت لازم برای نوآوری و خلاقیت را در او به وجود می‌آورد (غلامی، ۱۳۹۶: ۹۸). اسلام اگرچه در ذات خود قابلیت تمدن‌سازی دارد، خود تمدن نمی‌سازد، بلکه این مسلمانان‌اند که با کار و تلاش پیگیر و به کمک دستورهای اسلام تمدن می‌سازند. وانگهی همه می‌دانیم که صرف برخورداری از منابع تمدن‌ساز، باعث ایجاد تمدن نمی‌شود. جامعه نیازمند خصلت و وضعیتی است که بتواند بستر و زمینه مناسب را برای فرآوری این منابع فراهم کند. جامعه‌شناسان این وضعیت را «پویایی اجتماعی» می‌نامند که نشانه آن شور و نشاط، تحرك و حرکت روبه‌جلو در لایه‌های گوناگون اجتماعی و ملازم با نوآوری است (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۵۴: ۴۷۷).

بدون تردید پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان «مجاهدت» یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه‌ای راهبردی است که باتوجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های گوناگون همه را به مجاهدت در تمام امور دعوت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقدند در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در آیه ذکر شده باتوجه به قید «فِينَا» و تأکید «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. به اعتقاد ایشان همه پیشرفت‌ها و تمدن‌سازی‌ها به برکت مجاهدت دائم صورت پذیرفته است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از مداحان در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱). از این رو، مجاهدت و تلاش و کار و ابتکار، از ارکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹). ایشان معتقدند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، باید جهاد کرد. جهاد اکبر، مبارزه با نفس و جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و استکبار جهانی است. مقام معظم رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می‌کنند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴: ۶۹-۹۷).

۶. عدالت

عدالت از عناصر اصلی پیشرفت و از شاخص‌های بسیار مهم تمدن نوین اسلامی است (جوادی آملی، ج ۱۷: ۱۸۸)؛ به طوری که تمدن اسلامی بدون عدالت نمی‌تواند معنا شود. اگر قرار باشد وجه تمایز تمدن نوین اسلامی با سایر تمدن‌ها را بیان کنیم، بدون شک این وجه تمایز، تعریف مترقی اسلام از عدالت، و مهم‌تر از آن، میزان سرمایه‌گذاری روی آن خواهد بود؛ به گونه‌ای که عدالت بارزترین آرمان و هدف جامعه اسلامی است و کثرت استعمال این هدف در نصوص و متون اسلامی، دلیل بر اهمیت آن است.

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر شاخص‌های تمدنی مانند پیشرفت و رونق اقتصادی، ارتقای علمی و حتی اعتلای معنوی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. این دیدگاه در سخنان مقام معظم رهبری تبلور ویژه دارد (بهمنی، ۱۳۹۳: ۴۲۱-۲۱۵). از نظر ایشان در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خود را به دست آورند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۵). مقام معظم رهبری در سخنان متعددی بر عدالت محور بودن جامعه اسلامی تأکید فرموده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی پرداخته‌اند (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با هیئت‌دولت در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۳؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۹؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۷؛ بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱ و ۱۳۶۰/۱/۱۷).

مؤلفه‌های اقتصادی

مسائلی مانند رشد اقتصادی، رفاه، آسایش و پیشرفت از شاخص‌های بارز جامعه متمدن است. به اعتقاد مقام معظم رهبری، در دین اسلام اقتصاد باید ایجادکننده رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک‌تک افراد جامعه باشد و از مظاهر تمدن اسلامی، ایجاد رفاه و ثروت عمومی است (بیانات امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «درواقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی» (بیانات امام خامنه‌ای در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مبنای تمدن غرب نفی اصالت دین و اصالت دادن به دنیاست و مبنای تمدن نوین

اسلامی جمع دین و دنیا و آمیختگی دنیا و آخرت است (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰؛ بیانات امام خامنه‌ای در جمع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹) و لذا رشد اقتصادی برای تکمیل بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی امری لازم است. به عقیده مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی دین و دنیا را کنار هم مطرح و آغاز عصر جدیدی را اعلام کرد (ر.ک. میرباقری، ۱۳۹۸: ۳۷). از نظر رهبر معظم انقلاب دنیایی شایسته انسان است که با تعالیم انبیای الهی منور شده باشد. در این دنیا، هم تعالی معنوی و هم آبادی و رفاه هست (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نیروهای حاضر در مانور طریق القدس در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۳).

البته در تمدن نوین اسلامی مطلوبیت آرمان‌های پیشرفت مادی و رفاه اقتصادی مطلوبیتی فی‌نفسه و استقلالی نیست و یکسری شرط‌ها و شاخص‌های مقبولیتی از جمله توأمانی پیشرفت اقتصادی با عدالت اجتماعی مد نظر است (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۱۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرماید:

از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است؛ یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالاست؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است. ما این را به هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم، از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند (بیانات امام خامنه‌ای در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مؤلفه‌های سیاسی

شاخص‌هایی چون حکومت، مردم‌سالاری دینی، استقلال، آزادی، امنیت و اقتدار نظامی ذیل مؤلفه‌های سیاسی تبیین و با توجه به ارتباط مستقیم این عناصر با قدرت و سیاست در این بخش مطرح شده‌اند.

۱. حکومت دینی

چنان‌که ابن‌خلدون بیان کرده، حکومت بستر بروز سرمایه علم و دانش و حکمت است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۰). تشکیل حکومت بر مبنای معیارهای اسلامی جزو مراحل اصلی تمدن نوین اسلامی است. درباره حاکمیت نیز باید گفت قرار گرفتن در مسیر تمدن نوین اسلامی بدون وجود رهبری صالح و توانمند میسر نیست. در واقع، عنصری که راه دستیابی به تمدن نوین اسلامی و مقاصد آن را مشخص می‌کند و مهم‌تر از آن، جامعه اسلامی را از انحراف و کج‌روی نجات می‌دهد، رهبر و نهاد رهبری است که هم مشروعیت الهی دارد و هم از مقبولیت و پیروی عمومی بهره‌مند است (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۹).

۲. مردم‌سالاری دینی

از شاخص‌های مهم سیاسی در تمدن نوین اسلامی ارائه حکومت مردمی است (بیانات امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹). تمدن اسلامی نیازمند الگویی از نظام سیاسی است که از جهت مبانی، ساختار و قواعد حاکم، برنامه و عملکرد، اسلامی و بر اراده عمومی و خواست مردم استوار باشد. نظام «مردم‌سالاری دینی» که در آن نقش مردم برای تعیین سرنوشت خود بر اساس محتوای اسلام برجسته شده، الگویی مناسب در این زمینه است (امیدی، ۱۳۹۸: ۵۰۶). انقلاب اسلامی ایران آغاز باز شدن دریچه‌ای مهم برای خلاصی دنیای اسلام از شر استبداد و خودکامگی دولت‌های اسلامی بود. پیش از ظهور انقلاب اسلامی، تنها دو گزینه برای سامان سیاسی دنیای اسلام وجود داشت: گزینه اول، تن دادن به نظام دموکراسی سکولار و گزینه دوم، تن دادن به استبداد و دیکتاتوری حکومت‌های عمدتاً قومی و قبیله‌ای در کشورهای اسلامی که نمونه‌های بارز آن عربستان سعودی و بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس‌اند. در این میان، انقلاب اسلامی با نظام جمهوری اسلامی و ترکیب جمهوریت و اسلامیت، گزینه سوم را به جهان اسلام ارائه داد که نام آن مردم‌سالاری دینی بود. درحقیقت، مردم‌سالاری دینی نظام سیاسی صددرصد مردمی است که ضمن برطرف کردن بسیاری از معایب دموکراسی‌های رایج، امکان جاری و ساری کردن قانون اسلامی در کشورهای اسلامی را فراهم می‌کند. هرچند امروز نظام مردم‌سالاری

دینی به جز ایران در هیچ‌یک از کشورهای اسلامی عینیت نیافته است، یک تئوری در حال تکامل شمرده می‌شود که به دلیل توفیقات عملی آن در ایران، توجهات مسلمانان به خصوص نخبگان را به خود جلب کرده^۱ و جهشی بزرگ در جهت تغییر ساختارهای ذهنی و عینی منطقه‌ای و جهانی فراهم آورده است (همان: ۵۰۶ و ۵۰۸).

۳. استقلال

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای استقلال سیاسی و آزادی ملت و حکومت از زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان، از پایه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۵). اساساً تمدن اسلامی در شرایط ذلت و وابستگی و تقلید حاصل نمی‌شود (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). به عقیده ایشان ملت ایران با جوهر ایستادگی و مقاومت و با کمک‌های الهی خواهند توانست بار دیگر تمدن اسلامی را در عالم سربلند کنند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۹).

البته باید توجه داشت استقلال، ارتباط و تعامل عزیزانه و سازنده جامعه اسلامی با سایر جوامع را نفی نمی‌کند، بلکه بر لزوم توانمندسازی جامعه اسلامی برای تأمین امکانات و نیازهای راهبردی خود تأکید دارد. مهم این است که بدانیم استقلال و خوداتکایی علاوه بر هویت‌بخشی به جامعه، می‌تواند توان جامعه را برای بازیگری فعال در عرصه‌های گوناگون افزایش دهد و از انفعال و واماندگی امت و دولت اسلامی و هضم شدن جامعه اسلامی در سایر جوامع، خصوصاً جوامع شرک و کفر جلوگیری کند. بر همین مبنا، یکی از مسائل کلیدی در تمدن‌سازی، موضوع «نفی سییل» است. در واقع، جامعه اسلامی نه تنها نباید تحت سلطه جوامع مدنی و پیشرفته کفار قرار گیرد، بلکه باید قادر باشد از جهت مادی - البته در مسیری صحیح - با آنها رقابت کند و حتی آنها را از جهت مادی به تسلیم وادارد. به نظر می‌رسد همین تکلیف به‌تنهایی کافی است تا مسلمانان به مثابه یک رسالت دینی به سمت تمدن‌سازی حرکت کنند (غلامی، ۱۳۹۶: ۳۸).

۱. ر.ک. غلامی، «بررسی امکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با محوریت ایران»، دسترسی در:

در تمدن نوین اسلامی، هم سلطه‌پذیری مردود است هم سلطه‌گری. یکی از تفاوت‌های جوهری تمدن نوین اسلامی با تمدن‌های سکولار، فقدان انگیزه سلطه‌گری در جوامع اسلامی است. بنابراین، معنای گسترش‌یابندگی و جهانی شدن در این تمدن با تمدن‌های سکولار متفاوت است. مسلماً تمدن نوین اسلامی نه تنها مبنا و هدفی برای تسخیر سرزمین‌های دیگر ندارد، به دنبال تحمیل آشکار، پنهان و نرم خود به ملت‌ها و دولت‌های دیگر، و تبدیل کردن کشورهای دیگر به قلمرو مستعمراتی جامعه اسلامی نیست، بلکه این تمدن با معرفی امتیازاتش به دیگران، در صدد جذب طبیعی آنها بر اساس انتخاب آزادانه و محققانه است (همان: ۶۴).

۴. آزادی

یکی از شرایطی که باعث پیدایش پیشرفت و تمدن می‌شود، بهره‌مندی جامعه و نخبگان از آزادی است (خلیلیان اشکذری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵). براین اساس، قطعاً یکی از پیش‌نیازهای مهم و لوازم شکل‌گیری و تکامل تمدن نوین اسلامی، وجود آزادی‌های معنوی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. تمدن نوین اسلامی، نه فقط در بستر آزادی شکوفا می‌شود، بلکه بعد از تولد به بسط و تعمیق آزادی حقیقی کمک می‌کند و با استبداد و خودکامگی در تعارض است (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۲). انسان در تراز تمدن نوین اسلامی جدای از اینکه باید خود را از اسارت جهل، اسارت نفس و بردگی شیطان خارج کند، در کنش‌های فردی و اجتماعی نیز باید دارای آزادی باشد؛ با این ملاحظه که آزادی در اسلام در چهارچوب عدالت و اخلاق مشروعیت می‌یابد. اصولاً حذف عدالت و اخلاق، نه فقط شرعاً، بلکه عقلاً مساوی با مسدود شدن مسیر آزادی و از دست رفتن ضمانت‌های لازم برای تحقق آن است (همان: ۵۹-۶۰).^۱

۱. مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه می‌نویسند: «یکی از مشکلات ما این است که از منطق استفاده از آزادی به خوبی آگاه نیستیم و باید به‌طور مداوم به خودمان گوشزد کنیم که چگونه از آزادی استفاده کنیم که به ضدآزادی مبدل نشود و به هرج و مرج نینجامد. اگر ما از این آزادی که به برکت انقلاب به دست ما رسیده درست استفاده نکنیم، از نظر سیاسی دچار استبدادی خواهیم شد که برون‌رفت از آن بسیار سخت خواهد بود. ... پس باید دقت کنیم که آزادی را عزیز و محترم بداریم، از آن استفاده کنیم، اما نگذاریم از آزادی سوءاستفاده شود. ما در همین سال‌های اخیر شاهد بودیم که هرگاه از آزادی بد استفاده شد و مرزهای اخلاق و منطق شکسته گشت، زمینه برای متحجرین که از

در میان انواع آزادی، آزادی اندیشه یا آزاداندیشی جایگاه محوری در رونق تمدنی دارد. به عقیده داوری اردکانی، دین، هنر، فلسفه، عرفان و دانش در شرایطی نسبتاً آزاد توانسته‌اند ظهور یابند و ظهور تمدن نیز باتوجه به تحقق شرایطی است که آزاداندیشی در صدر آن می‌باشد (داوری اردکانی، ۱۳۸۶: ۵۲)؛ زیرا به سبب آن، آرای مختلف و نقد و نظرها مطرح می‌شود؛^۱ دانش و اندیشه رونق می‌گیرد و بشر رو به تکامل و پیشرفت می‌رود (مطهری، بی تا: ۶). در تمدن اسلامی نیز مدارا و توجه به دیدگاه‌ها و آرای دیگران در میان دانشمندان مسلمان، با تکرر فراوان خود، بر پایه دستور قرآنی جدال احسن (نحل: ۲۵) و لزوم استماع هر سخنی (زمر: ۱۷) شکل گرفت.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب، آزادی اجتماعی را به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه تعریف می‌کند. بر مبنای همین رویکرد، ایشان یکی از شرایط مهم دستیابی جامعه به تمدن را ایجاد فضای مناسب برای بیان آزادانه نظرها و انتقادهای افراد جامعه برشمرده و معتقدند بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه تمدن‌سازی ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (پاسخ امام خامنه‌ای به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه درباره کرسی‌های نظریه‌پردازی در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

۵. امنیت

به طور اصولی امنیت در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... بستر پیشرفت هر

→ آزادی خشنود نیستند، فراهم شده و جا برای متفکرین واقعی کم شده است. پس بایستی آزادی و آزاداندیشی را از خطر بی‌منطقی و بی‌اخلاقی حفظ کنیم که اگر چنین نکنیم، همان طوری که رهبر معظم انقلاب فرمود، یا به یک سکوت مرداب‌گونه دچار می‌شویم یا به یک تلاطم گرداب‌گونه» (پاسخ امام خامنه‌ای به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

۱. یکی از مهم‌ترین عوامل رونق آزاداندیشی، زمینه‌سازی برای بیان نقد توسط عالمان و اندیشمندان و افرادی است که اندیشه‌ای برای بیان و سخنی برای گفتن دارند. در این میان، بالا بودن ظرفیت حکومت از جنبه انتقادپذیری، برتافتن دیدگاه‌های دانشمندان و عالمان و میدان دادن به اندیشه‌های علمی نوین، و در یک کلام، تساهل علمی حکومت و رفتار کریمانه با متفکران در فراهم شدن زمینه‌های تولید دانش و اندیشه تأثیری انکارناپذیر دارد (زمانی محجوب، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. تمدن‌سازی نیز از این قاعده مستثنا نیست. جامعه‌ای که در آن هرج و مرج حاکم باشد، نمی‌تواند شاهد گام‌های اولیه برای ایجاد تمدن اسلامی باشد. لذا امنیت از مهم‌ترین شاخص‌های تمدن نوین اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای امنیت را از نیازهای حقیقی مردم جامعه می‌داند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۶) و وجود امنیت در جامعه را مثل وجود هوا برای نفس کشیدن ضروری می‌شمارد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۵). ایشان در بیانات متعدد، امنیت را عامل موفقیت و پیشرفت خوانده‌اند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۵).

۶. اقتدار نظامی

عوامل نظامی از گذشته‌های دور اهمیت بسزایی در تمدن‌سازی داشته است. پیشرفت و اقتدار نظامی خود، هم شاخص و هم عاملی برای حفاظت از انقلاب اسلامی در برابر رقبای تمدنی و تحقق تمدن نوین اسلامی است. به عقیده مقام معظم رهبری نیروهای مسلح نوک پیکان نظام اسلامی و الهی و تمدن الهی و اسلامی در مقابله با دشمنان، بدخواهان و کینه‌ورزانند (بیانات امام خامنه‌ای در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی علیه السلام نوشهر در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۷).

مؤلفه‌های علمی

یکی از ابعاد و شاخص‌های مهم رشد هر تمدنی، احراز جایگاه ویژه در حوزه علم و فناوری است. علم و دانش از عناصر ذاتی و پایه تمدن (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با استادان دانشگاه شهید بهشتی در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۲) و از مؤلفه‌های قدرت‌آفرین، قدرت‌ساز و مقوم کشورها در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و امنیتی به‌شمار می‌رود و دارا بودن بنیه‌های علمی برای کشوری که داعیه تمدنی دارد از لوازم اساسی است. مقام معظم رهبری معتقدند در هر کشوری، شناسایی نیازها و تصمیم‌گیری برای برطرف کردن آنها، تمدن‌ساز است و ابزار برطرف کردن این نیازها فکر و نیروی انسانی است و کلید اصلی هم علم و برآثر علم فناوری است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با

مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۵). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، علم شرط لازم پیشرفت است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان علمی سراسر کشور در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۱۹). بی‌تردید اگر جامعه‌ای نتواند در علم و فناوری پیشرفت کند، همیشه به کشورهای قدرتمند وابسته خواهد بود. رکود علمی و عدم پیشرفت در علم، تکنولوژی و صنعت همان قدر که راه سلطه علمی و اقتصادی کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته بر جوامع اسلامی را هموار می‌کند، به همان اندازه سلطه سیاسی و فرهنگی بیگانگان در جوامع اسلامی را فراهم می‌سازد.

باین توصیف، موتور محرک و راه‌حل حقیقی پیشرفت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، رسیدن به قله یا مرز همه دانش‌ها و حتی عبور از این مرزهاست (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع مجاوران و زائران حرم مطهر رضوی در مشهد مقدس در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۵). رهبر معظم انقلاب مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم را چراغ راه تمدن اسلامی می‌دانند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱). علم از دیدگاه ایشان ارزش ذاتی دارد و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره بین‌المللی «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» تأکید کردند: شرایط باید به واسطه پیشرفت علمی کشورهای اسلامی تغییر کند و دنیای اسلام می‌تواند بار دیگر در قله تمدن بشری قرار گیرد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۲)؛ چراکه روی دیگر دانایی، توانایی است (بیانیه گام دوم).

در حرکت و پیشرفت علمی کشور مهم‌ترین اولویت تولید علم و جرئت برای گشودن افق‌های جدید و شکستن مرزهای علمی است (بیانات امام خامنه‌ای در جمع استادان و نخبگان دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۶). همان‌گونه که تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی جهش‌وار و تولید علم به وجود آمد، تمدن‌سازی نوین اسلامی هم در گرو تولید علم پدید خواهد آمد؛ به‌گونه‌ای که اگر تولید علمی را از تمدن اسلامی منفک سازیم، نمی‌توان

مدعی وجود پدیده‌ای به نام تمدن نوین اسلامی شد. به عقیده رهبر معظم انقلاب تمدن نوین اسلامی محصول کلان تولید علم در همه حوزه‌های علوم و معارف الهی و بشری است (بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع مجاوران و زائران حرم مطهر رضوی در مشهد مقدس در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱).

منظور از تولید علم، رسیدن به جایی است که نوآوری‌های علمی در فضای موجود بشری، از آنجا شروع می‌شود. بدون خودباوری علمی نمی‌توان به تولید علم رسید. در اینجا چند نکته قابل توجه است: نکته اول اینکه برای تولید علم باید یاد بگیریم از تقلید علمی بپرهیزیم و اجتهاد و نوآوری کنیم (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). نگاه اجتهادی به عرصه‌های حیات انسانی مقدمه و پایه‌ای واجب و لازم برای تولید علم است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و... از لوازم تمدن‌سازی است (بیانات امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹)؛ نکته دیگر در زمینه تولید علم، اهمیت بنیادین تبدیل علم به فناوری است. فناوری تبدیل ظرفیت علم به قدرت است. از این رو تولید علمی‌ای در تمدن نوین اسلامی معتبر است که قابل تبدیل به فناوری برای ارتقای کیفیت حیات انسانی باشد (بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع مجاوران و زائران حرم مطهر رضوی در مشهد مقدس در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱)؛ نکته سوم شتاب دانش‌افزایی است. به عقیده مقام معظم رهبری شتاب حرکت علمی ما پس از انقلاب مطلوب بوده است و باید این شتاب حفظ شود تا به نقطه اوج برسیم (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم‌شناختی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳).

در تمدن نوین اسلامی علم همراه معنویت و اخلاق است و این از شاخص‌های تمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۹). به اعتقاد امام خامنه‌ای، ارزش علم منوط به معنویت است و تمدن واقعی (تمدن اسلامی) تمدنی است که علم روز توأم با معنویت و دین‌داری و اخلاق در آن باشد (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان و

فرهنگیان در مصالای رشت در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۲؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از پرستاران در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۹؛ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با استادان و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ زیرا علم بدون معنویت، همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است؛ تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد، اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها شد و نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب به زیان بشر تمام شد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰). تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. برعکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (همان).

در حوزه نوع برخورد با علم غرب، باینکه باید به تجربه دیگران ارج نهاد و از دستاوردهای آنها استفاد کرد، این امر باید در چهارچوب ارزش‌ها و اقتضانات بومی صورت گیرد. سه عنصر اساسی در اینجا وجود دارد:

ارج نهادن به تجربه دیگران و اهمیت دادن به دستاوردهای فکری بشر؛

تقلید نکردن صرف از دیگران؛

مرعوب نشدن در برابر دیگران (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸: ۲۰).

تعامل فعال و الهام‌بخش نظام علمی ایران و فرایندهای توسعه علمی فناوری جهان

مبتنی بر چند پیش‌فرض است:

۱. وجود تفاوت در حوزه دانش؛

۲. امکان تعامل و ضرورت آن و نه انزوا و جدا شدن از فرایندهای جهانی؛

۳. داشتن دانش بومی و مبتنی بر مبانی بینشی و ارزشی، نیازهای ملی و فناوری‌های

بومی شده همراه با نیروی انسانی متخصص؛

۴. الهام‌بخش بودن و منفعل نبودن در برابر پیشرفت‌های دیگران (همان).

در تمدن نوین اسلامی همه علوم، نه صرفاً علوم دینی و اسلامی، دارای شأن و ارزش هستند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷)؛ ولیکن از نظر مقام معظم رهبری، علوم انسانی روح دانش است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۳). پیشرفت جامعه منوط به پیشرفت علم، و پیشرفت علم منوط به پیشرفت فکر است. از این رو مبدأ تحول، پیش از آنکه حاصل علم و تجربه باشد، حاصل فکر و اندیشه است و فکر و اندیشه حاصل علوم انسانی است.

اولویت در حوزه علوم انسانی، اسلامی‌سازی علوم انسانی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۵۰). بدون تحول در علوم انسانی و بدون رویکرد توحیدی به علوم طبیعی و رویکرد اسلامی به علوم انسانی، رسیدن به پیشرفت و تمدن نوین اسلامی میسر نخواهد شد. علوم انسانی اسلامی لایه مهمی از محتوا و همچنین مغزافزار تمدن نوین اسلامی را می‌سازند و به دلیل نقش علوم انسانی (به‌ویژه فقه، حقوق و اخلاق) در اعتلای سبک زندگی اسلامی (بخش حقیقی تمدن اسلامی)، توجه ویژه به این علوم بسیار مهم است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳). از این رو، تا زمانی که علوم انسانی اسلامی بسط و تعمیق نیافته یا در مرحله عینیت‌یافتگی قرار نگرفته باشد، قدم نهادن در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، خودبه‌خود منتفی است (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۶).

نتیجه‌گیری

در جدول ذیل مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی ترسیم شده است:

شاخص	مؤلفه
توحید ایمان ایدئولوژی معنویت	مؤلفه‌های دینی
کرامت انسان اخلاق	مؤلفه‌های انسانی
عقلانیت امید و خودباوری نظم و قانونمندی وحدت و هم‌بستگی عدالت مجاهدت و پویایی اجتماعی	مؤلفه‌های اجتماعی
حکومت مردم‌سالاری دینی استقلال آزادی امنیت اقتدار نظامی	مؤلفه‌های سیاسی
رفاه پیشرفت	مؤلفه‌های اقتصادی
علم و دانش فناوری خلاقیت و نوآوری	مؤلفه‌های علمی

در پایان ذکر دو نکته ضروری است: نکته اول اینکه تمدن نوین اسلامی را باید در چهارچوب ساختار مفهومی نظام‌مند بررسی کرد. تمدن نوین اسلامی حرکتی متوازن را

در غایت مقصد خود دارد. از این رو هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها کاملاً باهم مرتبط و بر یکدیگر مؤثرند و نباید از وجود و ضرورت هر یک غفلت ورزید؛ نکته دیگر آنکه عمده این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در همه تمدن‌ها مشترک، و تنها میزان توجه به آن متفاوت است. با توجه به اینکه در تمدن نوین اسلامی پیشرفت مادی و معنوی توأمان خواهد بود، به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که حوزه دینی و معنوی را در بر می‌گیرند توجه ویژه می‌شود.

کتابنامه

آرمسترانگ، کارن (۱۳۹۵). محمد: پیامبری برای زمانه ما، ترجمه علیرضا رضایت، تهران، حکمت.

آگ برن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم‌کوف (۱۳۵۴). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریانپور، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی - فرهنگی.

اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (بهار و تابستان ۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (علیه‌السلام)»، دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، س ۳، ش ۵، ص ۵۸-۱۰۸.

امیدی، مهدی (۱۳۹۸). «تحلیل مناسبات ساختاری مردم‌سالاری دینی و نظام‌سازی تمدنی بر اساس نظریه وحدت در عین کثرت»، عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ایازی، سیدعلی‌نقی (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری»، مجموعه آثار علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۴). «عیار و اساس در اسلامی بودن تمدن»، فصلنامه نقد و نظر، س ۲۰، ش ۴، ص ۱۳-۵۴.

_____ (۱۳۹۶ الف). «تنوع اسلامی در فرایند تمدنی»، فصلنامه نقد و نظر، ش ۲۲، ص ۴-۲۷.

_____ (۱۳۹۶/۱۱/۲۶ ب). نشست علمی «نظم اسلامی در فرایند تمدنی»، پژوهشگاه علوم

۱۸۲ پژوهش‌های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی / سال دوم / شماره چهارم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

بن‌نبی، مالک (۱۳۵۹). شبکه روابط اجتماعی، ترجمه جواد صالحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه نقد و نظر، س ۱۹، ش ۲، ص ۸۱۹-۲۳۷.

بهمنی خدنگ، محمدرضا (۱۳۹۸). «صورت‌بندی مفهوم امت بر اساس المیزان؛ مدلی برای تحلیل عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران»، عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۶). فلسفه تاریخ و تمدن، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوادی آملی، عبدالله. «اصول پانزده‌گانه تمدن‌سازی»، دوفصلنامه اندیشه تمدنی اسلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، س ۱، ش ۱، ص ۱۲-۲۵. _____ (۱۳۸۸). جامعه در قرآن، قم، اسراء.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). تمدن اسلامی، تدوین بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، معارف.

_____. بیانات و سخنرانی‌ها، دسترسی در: Khamenei.ir.

خسروپناه، عبدالحسین و مهدی شاهرخ اصفهانی (۱۳۹۶). «تمدن اسلامی»، در: عبدالحسین خسروپناه و جمعی از همکاران، منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (نظام بینشی، منشی و کنشی)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خلیلیان اشکذری، محمدجمال و دیگران (۱۳۹۳). معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹). اوتوپی و عصر تجدد، تهران، ساقی.

_____. درباره علم، تهران، هرمس.

زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۶). «پیشرفت علمی کشور بر مبنای آزاداندیشی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلام، س ۲۳، ش ۱۱۵، ص ۷۱۲-۱۴۸.

صدری، احمد (۱۳۸۰). مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی، تهران، مرکز

بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و هرمس.

عرفان، امیرمحسن و علی بیات (۱۳۹۴). «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، مجموعه مقالات تاریخ و تمدن اسلامی، به کوشش یدالله حاجی‌زاده و محمدحسین دانشکیا، قم، معارف.

عمار، محمد (۲۰۰۵). «هذا هو الاسلام؛ الدين و الحضارة و عوامل امتیاز الاسلام، قاهره، مکتبه الشروق الدولية».

غلامی، رضا. «بررسی امکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با محوریت ایران»، دسترسی در:

<http://gholami.sccsr.ac.ir/?p=1230>

غلامی، رضا (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.
محمود عقاد، عباس (۱۹۹۹). الاسلام و الحضارة الانسانیة، قاهره، دار النهضة للطباعة والنشر والتوزيع.

مزلیش، بروس (۱۳۹۸). «خاستگاه‌ها و اهمیت مفهوم تمدن»، ترجمه محمدحسین صالحی،

در: جمعی از نویسندگان، چیستی تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مطهری، مرتضی (بی‌تا). پیرامون انقلاب اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

معینی‌پور، مسعود و رضا لک‌زایی (۱۳۹۱). «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام

خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸، ص ۱۵-

۷۶.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۲). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران، مؤسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۸). عصر جدید: خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام

دوم، قم، تمدن نوین اسلامی.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (اردیبهشت ۱۳۸۸). سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور،

دسترسی در: https://strategic.iut.ac.ir/sites/strategic/files/ufiles/t_Sanade%20Tahavol%20%28%2088.6.28%20%29.pdf

2088.6.28%20%29.pdf